

ایمان، صحت و مؤمن کیست



اکبر فلاح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شناسنامه کتاب

مؤلف اکبر فلاح
ناشر انتشارات آصف
تاریخ نشر سال ۱۳۷۸
تیراژ ۳۰۰ جلد
چاپ اول - چاپ سپهر
حروفچینی رسالت قرخ شهر
قیمت ۱۵۰۰ ریال

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

شابک : FAN_۹۷۸۹۶۴۹۱۸۹۲۱۵

ISBN : ۹۶۴-۹۱۸۹۲-۱-۱

فهرست مطالب

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
مقدمه	۱
ویژگیهای مؤمنان در قرآن	۵
ویژگیهای مؤمنان از دیدگاه معصومین علیهم السلام ...	۱۲

ایمان چیست و مؤمن کیست؟

مقدمه :

روایتی را از قول امام هادی (علیه السلام) داریم که می فرماید: الدُّنْيَا
سُوقٌ رِبْحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخِرُونَ. (۱)

دنیا بازار است که عده‌ای در آن سود برده و گروهی زیان
دیده‌اند.

طبق این روایت و آیات و روایاتی که داریم می‌توان چنین
نتیجه گرفت که در طول تاریخ انسانها به دو دسته تقسیم
شده‌اند :

۱ - آنها که ایمان آورده و بر طبق آن عمل نموده‌اند و
استفاده کرده‌اند.

۲ - آنها که کفر پیشه نموده‌اند و یا راه نفاق را پیموده‌اند که در
نتیجه خسران نموده و عمر عزیز خود را برباد داده‌اند.

در این مجموعه هدف ما این است که گروه اول را با

ویژگی‌هایی که دارند معرفی کنیم و صفات برجسته آنها را بیان داریم تا آنها را بشناسیم و خود را بیازمائیم که آیا مؤمنیم یا ادعای ایمان داریم؟!

معنای ایمان :

قبل از آنکه وارد آن ویژگی‌ها شده و آنها را برشمریم ضروری است که معنای ایمان را بشناسیم و با واژه ایمان آشنا شویم.

واژه ایمان از ماده «أَمَنَ» گرفته شده است که به معنی آرامش داشتن و خاطر جمع بودن است و به تعبیر دیگر ایمان یعنی اعتقادی که آرامش درونی را به همراه دارد البته اعتقادی که همراه با تسلیم باشد.

ایمان یا چراغی پر فروغ در وجود انسانها :

اگر ایمان را و آثار آنرا در نظر بگیریم چنین اظهار نظر خواهیم نمود که ایمان در وجود انسانها بسان یک چراغ پر فروغی است که وجود آنها را روشن می‌سازد و در پرتو شعاع

نور ایمان است که می‌توانند راه سعادت و کمال را یافته و در آن
سیر نمایند تا به سر منزل مقصود برسند کسانی که از ایمان
بهره‌مند هستند هیچگاه راه را گم نکرده و سرگردان نخواهند
شد شکی نیست که هر چه آن چراغ پر نورتر باشد حرکت در راه
سعادت سریع‌تر و آسان‌تر خواهد بود و موفقیت بیشتری
بدنبال خواهد داشت این یک تشبیه گویا اما تشبیه دیگری را
می‌توان در این زمینه ارائه نمود و آن تشبیه ایمان است به
جوشش آب از چاه که هر چه از آن آب کشیده شود باز آب
جوشش خواهد داشت وجود ایمان در وجود انسان مؤمن،
محرک او در کارها خواهد بود و هیچ مانعی او را از مسیر
ایمانی خود باز نخواهد داشت اینجاست که باید در راه
تحقق ایمان در وجودمان تلاش نموده و از خداوند در
این راستا استمداد بطلبیم همچنانکه شاعر گرانقدر در این
مورد می‌گوید :

من نمی‌گویم که ای یزدان پاک

گنج سیم و زر فراوانم دهی

یا کرم فرموده و در زندگی

حشمتی همچون سلیمانم دهی

بلکه خواهم آنچه را دادی بمن

گیری و يك ذره ایمانم دهی

در این کتاب ۱۲۴ ویژگی از ویژگیهای انسانهای با ایمان از

قرآن و روایات برداشت شده و در اختیار شما خوانندگان عزیز

و ارجمند قرار می‌گیرد امید است مورد توجه قرار گیرد و

رهگشای راه زندگی ما باشند چرا که قرآن کتاب هدایت است

و روایات پیامبر گرامی اسلام (ﷺ) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)

نیز سراسر نورند و می‌توانند ما را در پرتو نورانیت خود به راه

مستقیم الهی رهنمون باشند.

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی

اکبر فلاح

۷۶/۱۰/۲۴ مصادف با ۱۵ رمضان ۱۴۱۸

ویژگیهای مؤمنان در قرآن :

در این قسمت به گوشه‌ای از خصوصیات و ویژگیهای انسانهای مؤمن در قرآن می‌پردازیم.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ. الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ. (۱)

ترجمه :

مؤمنان تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود دل‌هایشان ترسان می‌شود و هنگامیکه آیات او بر آنها خوانده می‌شود ایمانشان افزون می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند. آنها که نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. مؤمنان حقیقی آنها هستند برای آنان درجات (فوق العاده‌ای) نزد پروردگارشان است و برای آنها آمرزش و روزی بی

نقص و عیب است.

در این آیات شریفه به پنج صفت از صفات مؤمنین
اشاره شده است :

۱- احساس مسئولیت: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَ جِلَّتْ
قُلُوبُهُمْ)

وقتی که نام خدا پیش آنها برده شد دلهاشان به خاطر
احساس مسئولیت ترسان می شود پیش خود نگرانی دارند که
مبادا مسئولیت خود را خوب انجام نداده باشند و پیش خدا
شرمنده باشند.

۲- تکامل ایمان: (وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا)

مؤمنان راستین همچنان در راه تکامل پیش می روند و این
تکامل در سایه آیات قرآنی رو به افزایش است.

۳- توکل به خدا: (وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ)

۴- ارتباط با خدا: (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ)

تعبیر به اقامه نماز (به جای خواندن نماز) اشاره به این است

که نه تنها خودشان نماز می خوانند بلکه کاری می کنند که این رابطه محکم با پروردگار همچنان و در همه جا برپا باشد.

۵- ارتباط با خلق خدا: (وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ)

مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ (از آنچه به آنها روزی داده ایم) تعبیر وسیعی است که تمام سرمایه های مادی و معنوی را دربر می گیرد آنها نه تنها از اموالشان بلکه از علم و فکر و هر آنچه در اختیار دارند در راه بندگان خدا مضایقه نمی کنند.

۶- عدم تردید و دودلی : (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ

رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا).^(۱)

۷- جهاد فی سبیل الله : (وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ).^(۲)

در این آیه شریفه به دو صفت دیگر از صفات انسانهای مؤمن اشاره شده است می فرماید: مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که بخدا و رسولش ایمان آورده اند سپس هرگز شك و ریبی به

خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا به جهاد پرداخته‌اند. آری! چگونه ممکن است ایمان در قلب راسخ نباشد در حالیکه انسان از بذل مال و جان در راه محبوب مضایقه نمی‌کند و لذا در پایان آیه می‌خوانیم (اولئک هم الصادقون) چنین افرادی صادق و راستگو هستند و با عملشان صداقت در گفتارشان را نشان می‌دهند.

چند صفت برجسته دیگر از مؤمنان:

یکی از سوره‌های قرآن سوره «مؤمنون» است که دلیل انتخاب نام مؤمنون برای این سوره بخاطر آیات آغاز این سوره است که ویژگیهای مؤمنان را بیان می‌دارد و جالب اینکه پیش از بیان آن صفات نیکو و برجسته به سرنوشت پرافتخار آنها که جز رستگاری چیز دیگری نیست اشاره می‌فرماید و با جمله «قد افلح المؤمنون» مؤمنان رستگار شدند. این سوره شروع می‌شود و بعد صفات آنها یکی پس از دیگری به این شکل مطرح می‌شوند که در اینجا همه آن ویژگیها را یکجا می‌آوریم

و سپس به شرح و توضیح آنها می پردازیم.

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ. وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ. وَ
الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ. إِلَّا عَلَى
أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ. فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ
فَاُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ. وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ. وَالَّذِينَ هُمْ
عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ. (۱)

۸- خشوع در نماز: (الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ)

آنها کسانی هستند که در نمازشان خاشعند.

«خشوع» یک حالت درونی است که در برون اثر می گذارد.
در حدیثی می خوانیم که پیامبر (ﷺ) مردی را دید که در
حال خواندن نماز با ریش خود بازی می کند فرمود: أَمَا أَنَّهُ لَوْ
خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ اگر او در قلبش خاشع بود اعضای
بدنش نیز خاشع می شد. (۲)

۹- اعراض از لغو و بیهودگی: (و الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ)

آنها از هر گونه لغو و بیهودگی رویگردانند.

«لغو» هر گفتار و عملی است که فایده قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد.

۱۰ - انجام دادن زکات :

آنها کسانی هستند که زکات را انجام می‌دهند. (در راه خدا انفاق مالی دارند)

۱۱ - حفظ عفت عمومی : (وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ)

آنها کسانی هستند که فروج خویش را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند.

مگر نسبت به همسران و کنیزانشان که در بهره‌گیری از آنها هیچ‌گونه ملامت و سرزنش ندارند.

(إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ)

در آیه بعد باز خدا روی این مسئله تأکید می‌کند و می‌فرماید: (فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ)

هر کس غیر این طریق را (جهت بهره‌گیری جنسی)

طلب کند تجاوزگر است.

۱۲ - مراعات عهد و امانت : (وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ

عَهْدِهِمْ رَاعُونَ)

آنها کسانی هستند که امانتها و عهد خود را مراعات می کنند.

۱۳ - محافظت بر نمازها: (وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ)

آنها کسانی هستند که در حفظ نمازهای خویش می کوشند.

۱۴ - گوش به فرمان رهبر: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ

رَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ... (۱))

مؤمنان واقعی کسانی هستند که ایمان به خدا و رسولش

آورده اند و هنگامیکه در کار مهمی با او باشند بدون اجازه او

بجائی نمی روند...

۱۵ - یار و یاور یکدیگر: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ

بَعْضٍ... (۲))

مردان و زنان با ایمان دوست و ولی و یار و یاور یکدیگرند
امر بمعروف و نهی از منکر می کنند و از خدا و رسولش اطاعت
می نمایند.

۱۶ - نظارت عمومی: (... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ
الْمُنْكَرِ ...)^(۱)

۱۷ - مطیع امر خدا و پیامبر: (... وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ ...)^(۲)

آیات دیگری نیز در این خصوص داریم مثل آیه ۱۱۱ و ۱۱۲
سوره توبه و آیه ۱۵ و ۱۶ سوره الم سجده که خداوند در این
آیات صفات دیگری از مؤمنان را یاد آور شده است که
علاقمندان می توانند مورد توجه قرار دهند اما ما بخاطر
اختصار به همین اندازه اکتفا نمودیم هم اینک ویژگیهای
مؤمنین از دیدگاه معصومین (علیهم السلام) را مورد عنایت قرار
می دهیم امید است این نشانه ها را در وجود خود یافته و
همچنان در زمره مؤمنان راستین بوده و در سایه رحمت خاص

الہی مأوا داشته باشیم.

ویژگیهای مؤمنین از دیدگاه معصومین (علیہم السلام) :

امیر مؤمنان (علیہ السلام) خطاب بہ فردی بہ نام ہمام کہ مردی
عابد و تلاشگر بود خطاب فرمودہ و اظہار داشتند کہ مؤمن
دارای این خصوصیات است.

۱- زیرک و باہوش است : (الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَائِسُ الْفَظِنُ)

۲- بسوی خوبیہا شتابانست : (خَاضَ عَلَى كُلِّ حَسَنٍ)

۳- کینہ و حسد ندارد : (لَا حَقُّودٌ وَلَا حَسُودٌ)

۴- عیبجو نیست و غیبت نمی کند : (لَا عِيَابٌ وَلَا مُغْتَابٌ)

۵- ہمتی بلند دارد : (بَعِيدُ الْهَمِّ)

اگر ہمت بلند باشد انسان می تواند بہ اہداف بلند خود

دست یابد شاعر در این خصوص می گوید :

ہمت بلند دار کہ مردان روزگار از ہمت بلند بہ جائی رسیدہ اند

۶- ہمچنان در حال سکوت است : (كَثِيرُ الصَّمْتِ)

این سکوت یار و یاور فرد مؤمن است چرا کہ سکوت باعث

می شود از خیلی از لغزشها مبرا باشد و پشیمانی در وجود او راه نیابد و همین سبب نجات او خواهد بود پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) در کلامی فرمودند: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْلِمَ فَلْيَلْزِمِ الصَّمْتَ هر کس دوست دارد که سالم بماند باید همچنان در حال سکوت باشد. (۱)

در تعبیر دیگری از آن بزرگوار داریم که : عَلَيْكَ بِطُولِ الصَّمْتِ فَإِنَّهُ مَطْرَدَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَ عَوْنُ لَكَ عَلَى أَمْرِ دِينِكَ. لازم است که سکوت را طولانی کنی چرا که با سکوت شیطان طرد می شود و همین سکوت یار تو و کمک کار تو در دینت خواهد بود. (۲)

۷- علمش زیاد و حلمش فزونی دارد: (كَثِيرٌ عِلْمُهُ، عَظِيمٌ حِلْمُهُ)

۸- از خداوند راضی است: (رَاضٍ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ)

۹- مخالف هوای نفس است: (مُخَالَفٌ لِهَوَاهُ)

۱۰- آنچه را می گوید عمل می کند: (قَوَّالٌ عَمَّالٌ)

از بدترین بلاهایی که ممکن است بر یک جامعه مسلط شود

۲- سفینه البحار ج ۲ ص ۵۰

۱- محجة البيضاء ج ۵ ص ۷۹۲

بلای سلب اطمینان است و عامل اصلی آن جدایی گفتار از کردار است. در این رابطه شاعر می‌گوید :

دوش می‌گفت بلبلی با باز	کز چه حال تو خوشتر است از من
تو که زشتی و بد عبوس و مهیب	تو که لالی و گنگ و بسته دهن
مست و آزاد روی دست شهان	با دو صد ناز می‌کنی مسکن
من بدین ناطقی و خوش خوانی	با خوش اندامی و ظریفی تن
قفسم مسکن است و روزم شب	بهرام غصه است و رنج و محن
باز گفتا که راست می‌گویی	لیک سرش بود بسی روشن
دأب تو گفتن است و نا کردن	خوی من کردن است و نا گفتن!

۱۱ - خوبی را بیاد آورد : (إِنْ رَأَى خَيْرًا ذَكَرَهُ)

۱۲ - بدی را پنهان می‌کند : (إِنْ عَايَنَ شَرًّا سَتَرَهُ)

آری! اخلاق مؤمن به این شکل است که اگر خوبی مشاهده کرد آن را ذکر می‌کند، و یا در ذهن خود یادآور آنست، به عکس اگر بدی دید آن را پنهان می‌کند نه آن را بر زبان می‌آورد و نه در ذهن از آن یاد می‌کند.

۱۳ - دوستی او بخاطر خدا و بر اساس آگاهی است. (يُحِبُّ

فِي اللَّهِ بِفِقْهِ)

۱۴ - یادآور عالم است و معلم جاهل : (مُذَكِّرٌ لِلْغَالِمِ، مُعَلِّمٌ

لِلْجَاهِلِ)

۱۵ - کوشش دیگران را خالصتر از تلاش خود می داند : كُلُّ

سَعْيٍ أَخْلَصُ عِنْدَهُ مِنْ سَعْيِهِ)

۱۶ - دیگران را از خود صالح تر داند : (كُلُّ نَفْسٍ أَصْلَحُ عِنْدَهُ

مِنْ نَفْسِهِ)

۱۷ - اعتماد به غیر خدا ندارد : (لَا يَتَّقُ بَغَيْرِ رَبِّهِ)

اعتماد به خدا وسیله بدست آوردن هر چیز گرانبهاست، از

قول امام نهم امام جواد (علیه السلام) داریم که فرمودند: اَلثِّقَةُ بِاللَّهِ ثَمَنٌ

لِكُلِّ غَالٍ سُلَّمٌ إِلَى غَالٍ.

اعتماد به خدا وسیله بدست آوردن هر چیز گرانبهاست و

نردبان، ترقی به هر رتبه و مقامی است (۱)

۱۸ - کمک کار فامیل است : (عَوْنٌ لِلْقَرِيبِ)

۱۹ - او به منزله پدر است برای یتیم : (أَبٌ لِّلْیَتِیمِ)

امیرالمومنان (علیه السلام) در کلام دیگری بصورت امر فرمان می دهد که برای یتیم مثل پدری مهربان باش فرمودند:
(كُنْ لِلْیَتِیمِ كَالْأَبِ الرَّحِیمِ) (۱)

۲۰ - در مقابل جهل جاهلان بردبار است : (إِنْ جُهِلَ عَلَيْهِ یَحْلَمْ)

۲۱ - بخیل نیست و بر بخل دیگران صبر میکند : (لَا یَبْخُلُ وَ إِنْ بُخِلَ عَلَيْهِ صَبَرَ)

۲۲ - جز سخن درست و حق بر زبان نیاورد : (لَا یَنْطِقُ بِغَیْرِ صَوَابٍ)

۲۳ - در لباس پوشیدن اقتصاد را رعایت می کند : (لَا یَلْبَسُ إِلَّا الْاِقْتِصَادَ)

۲۴ - نیتش خالص است : (نِیَّتُهُ خَالِصَةٌ)

۲۵ - توقع بیجا ندارد : (لَا یَرْجُو مَا لَا یَجُوزُ لَهُ الرِّجَاءُ)

۲۶ - در سختیها مقاوم است : (لَا يَفْشَلُ فِي الشَّدَّةِ)

۲۷ - قلبش دارای خشوع است : (خَاشِعاً قَلْبُهُ)

۲۸ - همیشه پیاد خداست : (ذَاكِرًا رَبَّهُ)

۲۹ - برای گنااهش غمگین است : (حَزِيناً لِذَنْبِهِ)

۳۰ - به آنچه برایش مقدر شده قانع است : (قَانِعاً بِالَّذِي

قُدِّرَ لَهُ)

۳۱ - خودش را در سختی قرار می دهد اما مردم از دستش در

آسایشند : (نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ)

۳۲ - او از چهره های درخشان تاریخ درس می آموزد :

(يَقْتَدِي بِمَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ)

۳۳ - او پیشوای نیکان پس از خود می باشد : (فَهُوَ إِمَامٌ لِمَنْ

بَعْدَهُ مِنْ أَهْلِ الْبِرِّ) (۱)

آری! مؤمن هم خود به دیگران اقتدا می کند و راه و

رسم زندگی را از آنها می آموزد و هم برای کسانی که بعد از

خودش می آیند از انسانهای نیکوکار بهترین الگو می باشد.

۳۴ - گواهی حق را از پیگانگان دریغ ندارد تا چه رسد به

آشنایان : (قال السجاد (عليه السلام) لا يَكْتُمُ شَهَادَتَهُ مِنَ الْبُعْدَاءِ) (۱)

۳۵ - در امر دین نیرومند است : (قال الصادق (۷) الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ

فِي دِينٍ)

۳۶ - با وجود ملایمت داشتن دور اندیش است : (و . . . وَ حَزْمٌ

فِي لِينٍ)

۳۷ - ایمانش همراه با یقین است : (و . . . و اِيْمَانٌ فِي يَقِيْنٍ)

۳۸ - برای تحصیل فقه حریص است : (و . . . وَ حِرْصٌ فِي فِقْهِ)

۳۹ - در راه هدایت با نشاط است : (و . . . وَ نَشَاطٌ فِي هُدًى)

۴۰ - غیبت دیگران را ندارد : (و . . . لَا يَغْتَابُ)

۴۱ - در مقابل دیگران تکبر نمی ورزد : (و . . . لَا يَتَكَبَّرُ)

۴۲ - با فامیل خود قطع رابطه ندارد : (و . . . وَ لَا يَقْطَعُ الرَّحِمَ)

۴۳ - نه سست است و نه خشن و سنگدل : (و . . . لَيْسَ بِوَاهِنٍ وَ لَا

فَظٌّ وَلَا غَيْظٌ

۴۴ - دیده او بر او پیشی نمی گیرد : (... لَا يَسْبِقُهُ بَصَرُهُ)

اینطور نیست که فکر نکرده به جائی بنگرد او اگر می خواهد به جائی و یا کسی و یا فیلمی و منظره‌ای نگاه کند اول می نگرد که نگاهش حلال باشد و مورد رضای خدا باشد آنگاه چشم دوخته و نگاه می کند.

۴۵ - شکمش او را رسوا نمی کند : (... لَا يَفْضَحُهُ بَطْنُهُ)

۴۶ - آلت تناسلیش بر او چیره نمی گردد : (... لَا يَغْلِبُهُ فَرْجُهُ)

۴۷ - دیگران را سرزنش نمی کند : (... لَا يُعَيِّرُ)

۴۸ - اهل اسراف نیست : (... لَا يُسْرِفُ)^(۱)

۴۹ - در نماز جماعت حاضر می شود : (قَالَ النَّبِيُّ (ﷺ) إِنَّ

مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيُّ الْخَاضِرُونَ الصَّلَاةَ)

۵۰ - در پرداخت زکات شتابان است : (... وَالْمُسَارِعُونَ إِلَى

الزَّكَاةِ)

۵۱- فرد گرسنه را اطعام می کند: (. . . و الْمُطْعَمُونَ

الْمِسْكِينَ) (۱)

۵۲- از کار پسندیده خود خوشحال و از کار بد خود

ناراحت است: (قال النبی (ﷺ) مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَ سَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ

فَهُوَ مُؤْمِنٌ) (۲)

۵۳- وقتی غضبناک شد از حق نمی گذرد: (قال الصادق

(عليه السلام) إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ مِنْ حَقٍّ)

۵۴- وقتی راضی شد وارد در باطل نمی شود: (. . . و إِذَا رَضِيَ

لَمْ يَدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي بَاطِلٍ)

۵۵- وقتی قدرت پیدا کرد بیشتر از حق خود نمی گیرد: (. . .

و إِذَا قَدِرَ لَمْ يَأْخُذْ أَكْثَرَ مِمَّا لَهُ) (۳)

۵۶- ظالم نیست و اگر به او ظلم شد می بخشد: (. . . لَا يَظْلِمُ وَ

إِنْ ظَلِمَ غَفَرَ) (۴)

۲- اصول کافی ج ۳ ص ۳۲۹

۱- اصول کافی ج ۳ ص ۳۲۸

۴- همان مدرک ص ۳۳۷

۳- اصول کافی ج ۳ ص ۳۳۰

۵۷- کسبش حلال است : (قال الصادق (علیه السلام) المؤمن من طاب

مَكْسَبُهُ)

۵۸- اخلاقش نیکو است : (... وَ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ)

۵۹- باطنی صحیح و سالم دارد : (... وَ صَحَّتْ سِرِّرَتُهُ)

۶۰- زیادی مالش را انفاق می کند : (... وَ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ)

۶۱- زیادی سخنش را نگه می دارد : (... وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ

كَلَامِهِ)

۶۲- به مردم اذیت و آزار نمی رساند : (... وَ كَفَى النَّاسَ شَرَّهُ)

۶۳- از جانب خود به مردم انصاف می دهد : (... وَ أَنْصَفَ

النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ) (۱)

مؤمن وقتی با مردم مواجه شد حق را می گوید و از آن دریغ

ندارد و اگر چه بزیان خود باشد و همچنان بر طبق آن عمل

می کند.

۶۴- نسبت به مسؤولیتش ترسناک است : (قال علی (علیه السلام) إِنَّ

۱- اصول کافی ج ۳ ص ۳۳۱

الْمُؤْمِنِينَ خَائِفُونَ^(۱)

۶۵- همیشه سرگرم کار خویش است : (قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِنَّ

الْمُؤْمِنَ مِنْ نَفْسِهِ فِي شُغْلٍ^(۲)

۶۶- برای نجات از آتش با خالق خود مناجات می کند : (...)

يُنَاجِي الَّذِي خَلَقَهُ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِهِ^(۳)

۶۷- پرکار و کم لغرش است : (... الْمُؤْمِنُ كَثِيرُ الْعَمَلِ، قَلِيلُ

الزَّلَلِ)^(۴)

۶۸- راستگوئی، یقین و کوتاهی آرزو از نشانه های اوست

: (... لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ : الصَّدْقُ وَالْيَقِينُ وَقَصْرُ الْأَمَلِ)^(۵)

۶۹- عزتش بخاطر قناعتش می باشد : (... وَ عِزُّهُ قَنَاعَتُهُ)

۷۰- جدیتش برای آخرت است : (... وَجِدَّةُ لَأَخِرَتِهِ)^(۶)

۷۱- کارهای پسندیده اش فراوان است : (... قَدْ كَثُرَتْ

۲- جلوه های حکمت ص ۷۷

۱- جلوه های حکمت ص ۷۷

۴- همان مدرک ص ۷۹

۳- جلوه های حکمت ص ۷۷

۶- همان مدرک ص ۸۰

۵- جلوه های حکمت ص ۷۷

حَسَنَاتُهُ^(۱)

۷۲- از نگاهش پند می گیرد: (قال علیؑ) الْمُؤْمِنُ إِذَا

نَظَرَ إِعْتَبَرَ^(۲)

۷۳- وقتی ساکت است می اندیشد: (... إِذَا سَكَتَ تَفَكَّرَ)^(۳)

۷۴- در هنگام سخن گفتن پیاد خداست: (... إِذَا تَكَلَّمَ ذَكَرَ)^(۴)

۷۵- در مقابل نعمتها شکر گزار است: (... إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ)^(۵)

۷۶- وقتی به بلا مبتلا شد صبر پیشه می کند: (... وَ إِذَا ابْتَلِيَ

صَبَرَ)^(۶)

۷۷- اخذ و عطا و خشم و رضای او برای خداست: (...

أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيْمَانًا مَنْ كَانَ لِلَّهِ أَخْذُهُ وَ عَطَاهُ وَ سَخَطُهُ وَ رِضَاهُ)^(۷)

۷۸- در تنگدستی و رفاه به اندازه در آمد خرج می کند: (قال

السَّجَّادُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنْ اخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ الْأُنْفَاقُ عَلَى قَدْرِ الْأَقْتَارِ وَ التَّوَسُّعُ

۱- همان مدرک

۲- همان مدرک

۳- جلوه های حکمت ص ۸۰

۴- همان مدرک

۵- همان مدرک

۶- همان مدرک

۷- جلوه های حکمت ص ۸۰

عَلَى قَدْرِ التَّوَسُّعِ (۱)

۷۹- در سلام کردن بر مردم پیشی می گیرد : (. . .) وَ ابْتِدَاؤُهُ

إِيَّاهُمْ بِالسَّلَامِ عَلَيْهِمْ (۲)

۸۰- مؤمنین او را بر جان و مال خود امین می دانند : (قال

رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِالْمُؤْمِنِ؟ مَنْ ائْتَمَنَهُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى

أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ (۳)

۸۱- نسبت به دیگران و حتی حیوانات مهربان است : (. . .) وَ

أَمَّا عَلَامَةُ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَرْؤُفُ (۴)

۸۲- اهل فهم و حیا است : (. . .) وَ يَفْهَمُ وَ يَسْتَحْيِي (۵)

۸۳- با مردم به مدارا رفتار می کند : (قال الرضا (عليه السلام) . . .

فَعُدَارَةُ النَّاسِ (۶)

۸۴- اسرار دیگران را فاش نمی کند : (. . .) فِكْثِمَانُ السِّرِّ (۷)

۲- همان مدرک

۱- تحف العقول ص ۴۴۶

۴- تحف العقول ص ۳۸

۳- اصول کافی ج ۳ ص ۳۳۱

۶- تحف العقول ص ۷۰۶

۵- همان مدرک

۷- تحف العقول ص ۷۰۶

۸۵- در نهان با ورع است : (قال السَّجَّادُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) . . . الْوَرَعُ فِي

الْخُلُوةِ) (۱)

۸۶- در تنگدستی صدقه می دهد : (. . . وَ الصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ) (۲)

۸۷- با وجود خوف راست می گوید : (. . . وَالصَّدَقُ

عِنْدَ الْخَوْفِ) (۳)

۸۸- همیشه تسلیم خداست : (از امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) سؤال شد

که بای شئی عِلِمُ الْمُؤْمِنِ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ؟ در جواب فرمودند : بِالتَّسْلِيمِ لِلَّهِ) (۴)

۸۹- در هر حال راضی بنظر می رسد : (. . . وَالرِّضَا فِيمَا وَرَدَ

عَلَيْهِ مِنْ سُرُورٍ أَوْ سَخَطٍ) (۵)

۹۰- به وعده خود وفا دار است : (قال النبی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) مَنْ كَانَ

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَيْفَ إِذَا وَعَدَ) (۶)

۹۱- هم وقار دارد و هم نرمی گفتار : (سُئِلَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) بِمِ

-
- | | |
|------------------------|-----------------------------|
| ۱- خصال شیخ صدوق ص ۲۹۸ | ۲- خصال شیخ صدوق ص ۲۹۸ |
| ۳- خصال شیخ صدوق ص ۲۹۸ | ۴- الف حدیث فی المؤمن ص ۲۶۱ |
| ۵- همان مدرک | ۶- الف حدیث فی المؤمن ص ۳۳۳ |

يُعرفُ الْمُؤْمِنُ؟ قال : بِوَقَارِهِ وَ لِبِنِ كَلَامِهِ (١)

٩٢- در زندگی کم خرج است : (قال رسول الله ﷺ) الْمُؤْمِنُ

يَسِيرُ الْمُؤْنَةَ (٢)

٩٣- در سرشت او دروغ و خیانت نیست : (قال الصادق عليه السلام)

الْمُؤْمِنُ لَا يُخْلَقُ عَلَى الْكِذْبِ وَلَا عَلَى الْخِيَانَةِ (٣)

٩٤- نیازمند و فقیر را یاری می کند : (قال رسول الله ﷺ)

مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ ... فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا (٤)

٩٥- هرزگی و عیاشی در وجود او راه ندارد : (قال

الصادق عليه السلام) إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَكُونُ سَجِيَّةً ... الْفُجُورَ (٥)

٩٦- ولی خداست و جز او از کسی نمی ترسد : (قال

الصادق عليه السلام) إِنَّ الْمُؤْمِنَ وَلِيُّ اللَّهِ ... لَا يَخَافُ غَيْرَهُ (٦)

٩٧- وقتی موعظه شد باز می ایستد : (قال امير المؤمنين عليه السلام)

٢- آثار الصادقین ج ١، ص ٣٢٤

١- آثار الصادقین ج ١ ص ٣٢١

٤- همان مدرک ص ٣٢٩

٣- آثار الصادقین ج ١، ص ٣٢٨

٦- آثار الصادقین ج ١، ص ٣٣٠

٥- همان مدرک

المؤمن إذا وعِظَ إزدَجَرَ^(۱)

۹۸ - وقتی به او ظلم شد می بخشد : (قال امیرالمؤمنین (علیه السلام))

المؤمن ... إذا ظلم غَفَرَ

۹۹ - حب و بغضش برای خداست : (المؤمن من كان حبه

لله و بغضه لله)^(۲)

۱۰۰ - او اهل نصیحت کردن است : (قال امیرالمؤمنین (علیه السلام))

المؤمن غریزته النصیح)^(۳)

۱۰۱ - سرشت او خشم فرو خوردن است : (و سَجِيَّتُهُ الْكَظْمُ)^(۴)

۱۰۲ - بخاطر دوستانش مرتکب گناه نمی شود : (قال

النبي (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ ... لَا يَأْتِمُّ فِيمَنْ يُحِبُّ)^(۵)

۱۰۳ - بخل او را از کار نیک باز نمی دارد : (و لَا يَغْلِبُهُ الشُّحُّ

عَنْ مَعْرُوفٍ يُرِيدُهُ)^(۶)

۲ - آثار الصادقین ج ۱، ص ۳۳۱

۱ - همان مدرک

۴ - همان مدرک

۳ - همان مدرک

۶ - همان مدرک

۵ - نهج الفصاحه ح ۸۱۵

۱۰۴ - طعنه زدن و لعنت کننده و بدگو و بد زبان نیست :
(قال امیرالمؤمنین (علیه السلام) لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَّانِ وَ لَا الْعَانِ وَ لَا الْفَاحِشِ
وَ لَا الْبَذِيءِ) (۱)

۱۰۵ - تملق گو و حسود نیست : (... لَيْسَ مِنْ خُلَاقِ الْمُؤْمِنِ
الَّتَمَلُّقُ وَ لَا الْحَسَدُ) (۲)

۱۰۶ - او آئینه دیگری است : (... الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ) (۳)
۱۰۷ - مومن همیشه خوبست و مشغول حمد الهی است : (...
. الْمُؤْمِنُ بِخَيْرٍ عَلَى كُلِّ حَالٍ ... وَ هُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ) (۴)

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱ - نهج الفصاحه ح ۲۳۸۵ ۲ - همان مدرک ح ۲۴۱۰
۳ - آثار الصادقین ج ۱، ص ۳۱۰۲ ۴ - همان مدرک حدیث ۳۱۰۷



شابک : ۹۷۸۹۶۴۹۱۸۹۲۱۵ - FAN

ISBN : ۹۶۴ - ۹۱۸۹۲ - ۱ - ۱

قیمت ۱۵۰۰ ریال